در جهان سالی که گذشت

سالی که رویاهای ترامپ و بن سلمان را برباد داد!

اشاره:

چیزی به پایان سال ۱۳۹۶ شمسی باقی نمانده و ساعات تند و سریع یکی پس از دیگری به سوی آخرین لحظات پایانی سال می‌شتابند. این سال در حالی به پایان رسید که جهان روزهای پرهیاهویی را از سر گذرانده است. روزهایی که سال جاری را به یکی از پرآشوب‌ترین سال‌ها در دهه اخیر تبدیل کرده است. جنگ، رسوایی‌های مالی، سیاسی و جنسی، پیروزی غیرمنتظره یک حزب یا جریان ناشناس در انتخابات و همه‌پرسی‌ها، خط و نشان‌های سیاسی و اقتصادی در عرصه بین‌الملل، برکناری و کناره‌گیری‌های اجباری سیاستمداران و ترور، ازجمله تحولاتی بود که در سالی که گذشت شاهد آن بوده‌ایم.

آزمایش‌های عظیم موشکی و اتمی کره شمالی و تهدید به استفاده از بمب اتم و جنگ لفظی میان رئیس‌جمهور آمریکا و همتای او در کره شمالی، حملات تروریستی پر شمار در گوشه و کنار جهان از سوی تکفیری‌ها و داعش و خروج خفت‌بار این تروریست‌های ساختگی از سوریه و عراق، افزایش حضور روسیه در غرب آسیا، به رسمیت شناخته شدن بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی از سوی آمریکا، نسل‌کشی در میانمار، همه‌پرسی در کردستان عراق و تنش‌های پس از آن، جنایات عربستان در یمن، جدایی‌طلبی نافرجام کاتالان‌ها از دولت مرکزی اسپانیا، انشقاق در صف متحدان عربی در پی اختلاف میان قطر و عربستان سعودی، اجبار سعد حریری به استعفا از نخست‌وزیری لبنان، از سوی عربستان، سپس پشیمانی آنها از این اقدام نامتعارف، رسوایی ده‌ها سیاستمدار در اروپا و آمریکا به اتهام آزار زنان، همه‌پرسی قانون اساسی در ترکیه و اصلاحات نمایشی ولیعهد عربستان و... از جمله وقایع و تحولات مهم سال گذشته به حساب می‌آیند، تحولاتی که در مجموع سالی پر مخاطره و پرهیاهو را رقم زده‌اند.

سرویس خارجی

آمریکا؛ از سونامی فساد تا برکناری‌های پی‌درپی

سیدمحمدامین آبادی

سالی که در روزهای پایانی آن هستیم، آمریکا با مشکلات عدیده‌ای در سیاست داخلی و خارجی خود رو به رو بود. بسیاری از مقامات کاخ سفید برکنار شده یا استعفا داده‌اند، سونامی فساد اخلاقی از هالیوود شروع شد و به کاخ سفید و شخص «دونالد ترامپ» رسید، جریان نژادپرست سفید برتر پندار در آمریکا جان تازه‌ای گرفت، مسئله دخالت روسیه در انتخابات آمریکا، بر کاخ سفید بار شده و مشکلات تجاری آمریکا و اروپا، دو سوی آتلانتیک را به سمت یک جنگ تجاری سوق داد. در یک کلام، سال ۹۶ را باید سال سونامی‌ها نامید (سونامی افشای فساد گسترده اخلاقی سیاستمداران، سونامی استعفا و برکناری گسترده مقامات کاخ سفید و سونامی کشتارها در داخل).

سونامی فساد اخلاقی

موج گسترده رسوایی‌های اخلاقی علیه اربابان زر و زور در آمریکا در سال ۹۶ به برکناری چهره‌هایی سرشناس بخش‌های مهم این کشور، از پست‌هایشان منجر شده است. ماجرا ابتدا از رسوایی اخلاقی هنرمندان در آمریکا شروع شد. روزنامه نیویورک‌تایمز طی گزارشی در روز ۵ اکتبر(۱۳ مهر) فاش کرد، که تعدادی هنرپیشه و کارمند سابق از «واینستاین» (یکی از بزرگترین تهیه‌کنندگان فیلم) شکایت کرده و روایت‌هایی دست اول از درخواست‌های نامناسب جنسی او از آنها در ازای معروف شدن در سینما بر زبان آوردند. چند روز بعد، زنان بیشتری مهر سکوت را شکستند و در گفت‌وگو با این رسانه‌ها، فاش کردند که «واینستاین» به آنها تجاوز کرده است. گزارش‌های تکمیلی هم زود رسیده و عده‌ای گفتند آقای واینستاین تلاش کرده با به کارگیری کارآگاه‌های خصوصی و حتی مأموران سابق موساد، در مسیر تحقیقات نیویورک‌تایمز و سایر رسانه‌های آمریکا اخلال ایجاد کند. اما بعد از ناکام ماندن این تلاش‌ها بود که واینستاین ۶۵ ساله عذرخواهی و اعلام کرد برای مدتی به مرخصی خواهد رفت! در این مدت پلیس در نیویورک و لندن اعلام کرده بررسی ادعاها علیه او را کلید زده و ایالت نیویورک روند تحقیقات قضائی از کمپانی او را آغاز کرده است.

در ادامه گزارش‌های زیادی در مورد بازیگران، کارگردانان، تهیه کنندگان هالیوود، مجریان و حتی سیاستمداران آمریکایی منتشر شد که همگی از جرج بوش پدر و بیل کلینتون گرفته تا سناتورها رسوایی‌های متعدد جنسی داشته‌اند! طبل این رسوایی حتی به کنگره آمریکا نیز رسید و رسانه‌ها گزارش دادند نمایندگان کنگره نیز دستی بر این آتش داشته‌اند! خبرگزاری آسوشیتدپرس در همین زمینه گزارش داد: «یک نماینده زن فعلی و سه نماینده زن سابق کنگره آمریکا به این خبرگزاری گفته‌اند که در زمان خدمت در مجلس نمایندگان آمریکا مورد اذیت و آزار جنسی از سوی همکاران مرد خود قرار گرفته‌اند.» بعد از افشای این رسوایی‌ها بسیاری از این افراد عذرخواهی کرده، برخی نیز از سمت‌های خود برکنار یا استعفا کرده‌اند.

در ادامه سونامی رسوایی در مقامات آمریکا به کاخ سفید رسید و دامن ترامپ را نیز گرفت. در ابتدا یک هنرپیشه فیلمهای مستهجن در آمریکا ترامپ را متهم کرد که وی را به یک رابطه جنسی سه نفره دعوت کرده است. پس از آن گزارش دیگری نیز مبنی بر پرداخت حق‌السکوت از سوی وکیل رئیس‌جمهوری آمریکا به «استفانی کلیفورد» یکی دیگر از هنرپیشه‌های فیلمهای پورنو منتشر شد. پرداخت حق‌السکوت به «استفانی کلیفورد» بازیگر فیلم‌های مستهجن اگر چه از سوی کاخ سفید تکذیب شد اما این تنها آغاز ماجرا بود چرا که در ادامه دیلی میل به نقل از «استیو بنن» استراتژیست سابق کاخ سفید اعلام کرد که وکیل دونالد ترامپ به ۱۰۰ زن حق‌السکوت داده تا آنها ماجرای روابط نامشروع خود با ترامپ را افشا نکنند. روزنامه وال‌استریت ژورنال نیز خبر داده بود که وکیل ترامپ به استفانی کلیفورد ۱۳۰ هزار دلار حق‌السکوت داده تا ماجرای روابط خود با ترامپ را افشا نکند. پیش از این نیز ۱۳ زن با متهم کردن ترامپ به فساد اخلاقی از وی شکایت کرده بودند اما هر یک از این شکایت‌ها به گونه‌ای مختومه شد. در جریان کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۶ نیز چند مورد اتهام در زمینه رفتار نامناسب با زنان علیه دونالد ترامپ مطرح شده بود.

سونامی استعفا و برکناری

آمریکای سال ۹۶ سال استعفاها و برکناری‌های پی‌درپی نیز بود. با استعفای «هُپ هیکس» مدیر ارتباطات کاخ سفید تعداد استعفاها و اخراجی‌های دولت آمریکا به رقم جالب توجهی در یک سال گذشته رسید. در یک سال گذشته دستکم ۳۷ نفر از مقام‌های ارشد دولت آمریکا استعفا کرده یا اخراج شده‌اند؛ تقریبا هر ۲۰ روز یک نفر!

تنها در ۷ ماه نخست حضور ترامپ در کاخ سفید شمار افرادی که برکنار یا استعفا دادند به ۱۵ نفر رسید که در میان آنها چند تن از مقامات اصلی که در مراسم ادای سوگند در کنار وی بوده‌اند نیز به چشم می‌خورد؛ «استیو بنن» مشاور ارشد ترامپ که خیلی‌ها وی را صحنه گردان کاخ سفید می‌دانستند تنها چند ماه پس از انتصابش استعفا داد، ژنرال «مایکل فلین»، مشاور امنیت ملی تنها سه هفته پس از انتصاب اخراج شد. «مایکل دابکی»، مدیر ارتباطات کاخ سفید در پایان ماه مه (اردیبهشت) کاخ سفید را ترک کرد. «شان اسپایسر»، سخنگوی جنجالی کاخ سفید ژوئیه (خرداد) و همزمان با انتصاب «آنتونیو اسکارموچی» استعفا داد. «راینس پریبس»، رئیس دفتر ترامپ در ژوئیه (خرداد) کنار گذاشته شد، «آنتونیو اسکارموچی» که همچنان رکورددار کوتاه ترین زمان خدمت در کاخ سفید است، و تنها ۱۰ روز به عنوان مدیر ارتباطات دوام آورد و در روز ۳۱ ژوئیه (۹ مرداد) اخراج شد. آخرین نفری که از حلقه اطرافیان ترامپ استعفا داده «ری کوهن»مشاور ارشد اقتصادی کاخ سفید است که به دلیل مخالفت با طرح وضع تعرفه بر واردات فولاد و آلومینیوم به آمریکا استعفا داد. کوهن با سایر مشاوران ترامپ که خواستار اجرای سیاست‌های حمایتی اقتصادی و وضع تعرفه بر واردات فولاد و آلومینیوم بود، اختلاف پیدا کرد و مجبور به استعفا شد.

سونامی کشتار

آمریکای سال ۹۶ سونامی کشتارها در این کشور نیز بود. در سالی که در روزهای پایانی آن هستیم خرید، فروش و حمل آزادانه سلاح در آمریکا با موج رو به گسترش نژادپرستی تلفیق شده و بحران بزرگتری را در جامعه آمریکا رقم زد. بر اساس گزارش‌ها ۲۷۰ تا ۳۰۰ میلیون قبضه سلاح گرم در آمریکا وجود دارد؛ یعنی تقریباً به ازای هر نفر یک اسلحه در این کشور یافت می‌شود و مردم آمریکا روزانه با این سلاح‌ها همدیگر را می‌کشتند. به گفته هیلاری کلینتون سالانه۳۳ هزار نفر در آمریکا با اسلحه به قتل می‌رسند که به معنای کشته شدن ۹۰ نفر در هر روز است. بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد که از ابتدای سال ۲۰۱۳ تاکنون در کشور آمریکا مجموعا ۱۶۲۴ مورد «تیراندازی با تلفات انبوه» رخ داده است. در این تیراندازی‌ها، تاکنون ۱۸۸۲ تن کشته شده‌اند و ۶۸۷۴ نفر نیز مجروح شده‌اند. از ابتدای سال جاری میلادی نیز تاکنون(سه ماه گذشته) بیش از ۱۰۱۳۹ مورد حادثه خشونت‌آمیز مسلحانه در آمریکا رخ داده است و در پی آن بیش از ۲۶۷۵ نفر کشته شده و ۴۵۵۳ نفر مجروح شده‌اند. در بین کشته‌شدگان و مجروحان، ۱۱۲ نفر کمتر از ۱۱ سال سن داشته و ۵۱۱ نفر نوجوان ۱۲ تا ۱۷ ساله بوده‌اند.بررسی جزئی‌تر آمارها نیز نشان می‌دهد در طول این مدت ۴۱ مورد تیراندازی با تلفات انبوه در نقاط مختلف این کشور رخ داده است که طی آن ۶۸ تن جان باخته و ۱۶۴ نفر زخمی شده‌اند. مطابق آمارهایی که وبگاه «ووکس» فراهم کرده آمریکا از حیث فراوانی وقوع خشونت و قتل با اسلحه کشوری بی‌نظیر در دنیا قلمداد می‌شود. نرخ وقوع قتل با اسلحه در آمریکا با هیچ کشور دیگری قابل مقایسه نیست و این رقم برای آمریکا ۶ برابر بیشتر از کانادا و ۱۶ برابر بیشتر از آلمان است. در مدارس آمریکا وضع وخیمتر است و بر اساس گزارش دیلی تلگراف به طور متوسط در هر ۶۰ ساعت یک نفر در مدارس آمریکا به ضرب گلوله جانش را از دست می‌دهد. واشنگتن پست نیز در سرمقاله خود نوشت: روزانه به طور میانگین ۲۳ کودک و نوجوان آمریکایی در حوادث تیراندازی جان خود را از دست می‌دهند. آخرین مورد این کشتارها نیز در فلوریدا اتفاق افتاد و یک نوجوان نژادپرست با ورود به دبیرستان «استونمن داگلاس» در جنوب شرقی فلوریدا با یک مسلسل به روز ارتش این کشور به روی دانش‌آموزان آتش گشود که بر اثر آن ۱۷ نفر را کشت و دهها نفر را زخمی کرد. از سال ۲۰۱۳ تاکنون ۲۹۱ مورد تیراندازی در مدارس این کشور گزارش شده. شبکه ام اس ان بی‌سی نیز گزارش داد، طی ۴۵ روز اول سال ۲۰۱۸ میلادی این دوازدهمین بار است که در یک مدرسه در آمریکا حادثه تیراندازی رخ می‌دهد. اگر چه موارد قبلی حوادث پر سروصدایی نبوده‌اند اما تحلیلگران آمریکایی آن را بی‌سابقه توصیف می‌کنند.تصور می‌شود حادثه فلوریدا خونین‌ترین تیراندازی از زمان کشتار سال ۲۰۱۲ در دبستان سندی هوک در ایالت کانتیکات باشد که ۲۰ کودک و ۶ بزرگسال در آن کشته شدند.

پرونده روسیه

پرونده دخالت روسیه نیز در یک سال گذشته به شدت در بالاترین سطوح سیاسی آمریکا مطرح بود.

طی یک سال گذشته بارها در رسانه‌های آمریکایی اخبار مربوط به این پرونده و بازجویی از اطرافیان ترامپ منتشر شده اما طی دو ماه گذشته زمزمه‌ها در مورد بازجویی از ترامپ نیز مطرح شده است. «رابرت مولر، بازرس ویژه پرونده ارتباطی ترامپ - روسیه» چندی پیش از «جف سشنز»، دادستان کل آمریکا در ارتباط با این پرونده بازجویی کرد پس از آن رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند که او اکنون به دنبال بازجویی از خود دونالد ترامپ است. روزنامه واشنگتن پست در این زمینه گزارش داد «رابرت مولر» به دنبال بازجویی از خود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در ارتباط با تصمیمش برای اخراج جیمز کومی، مدیر سابق اف‌بی‌آی و مایکل فلین، مشاور امنیت ملی سابق دولتش است. اخراج این دو مستقیما با پرونده روسیه مرتبط است. با این حال چگونگی این بازجویی مشخص نیست؛ چراکه احتمالا در مذاکراتی میان این بازرس ویژه و تیم حقوقی رئیس‌جمهور آمریکا مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ترامپ نیز در پاسخ به پرسشی درباره این گزارش گفت: «هیچ نگرانی از بابت این تحقیقات ندارد.»

اما آنچه که اخیرا به این پرونده جان تازه‌ای بخشیده کتاب جنجالی «آتش و خشم: نمای داخلی کاخ سفید ترامپ» است. این کتاب را باید دردسر تازه و البته خیلی جدی رئیس‌جمهور آمریکا دانست. «مایکل وولف» نویسنده کتاب که طی دو ماه گذشته نامش بیش از هر فرد دیگری در جامعه آمریکا بر سر زبان‌ها افتاده است، احتمال می‌دهد کتابش به دوران ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» پایان دهد. حمله‌های توئیتری شدید ترامپ به نویسنده کتاب و متحدین سابق خود از جمله «استیو بنن» نشانه‌ای از آتش خشمی است که جنجال تازه در کاخ سفید برپا کرده است. یکی از موارد جنجالی که در این کتاب گفته شده تکرار موضوع ارتباط ترامپ و تیم وی با دولت روسیه پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است. حالا دوباره با مطرح شدن این مسئله و اذعان «استیو بنن» به خائنانه بودن این ارتباط «رابرت مولر» دادستان ویژه تحقیقات پرونده دخالت روسیه احتمالا ظرف چند هفته آینده به سراغ شخص ترامپ خواهد رفت. شبکه ان.بی.سی گزارش داده که وکلای ترامپ علاقه‌ای به انجام این مصاحبه ندارند و به جای آن در حال بررسی ارائه پاسخ‌های کتبی به برخی از سؤالات هستند. ان‌بی‌سی. به نقل از سه فرد مطلع از ماجرا گزارش داده که گفت و گو میان دو طرف «مقدماتی و در جریان است.»در بهمن ماه گذشته نیز وزارت دادگستری آمریکا علیه ۱۳ فرد و سه گروه روسی به اتهام دخالت در «فرآیندهای سیاسی و انتخاباتی ایالات متحده» کیفر خواست صادر کرد. «رابرت مولر» در کیفرخواست خود مدعی شد که یکی از این گروه‌ها در پوشش گروهی آمریکایی وارد عمل شده و با کنترل حساب‌هایی در شبکه‌های اجتماعی، بر موضوعات سیاسی و اجتماعی حساس تمرکز کرده است.به گزارش خبرگزاری فرانسه، طبق این کیفرخواست، این شرکت تحت مدیریت «یوگنی پروگوژین» از متحدان نزدیک به ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه قرار دارد و به «شمار قابل توجهی» از آمریکایی‌ها دسترسی یافته است. طبق کیفرخواست مولر، «صدها» نفر در این عملیات نقش داشته و در شیفت‌های کاری مختلف و با بودجه‌ای چند میلیون دلاری فعالیت کرده‌اند.

بن‌سلمان و مسئله جابه‌جایی پایه‌های مشروعیت پادشاهی عربستان

محمدرضا مرادی

محمد بن سلمان در یک سال گذشته توانست مخالفان را به صورت کامل به حاشیه براند. بن سلمان که از سال ۲۰۱۵ وارد عرصه سیاست شد در چند مرحله توانسته است مخالفان را سرکوب کند. در این ارتباط وی در خرداد سال ۹۶ با کودتایی، محمد بن نایف را از ولیعهدی برکنار و خود را به عنوان ولیعهد جدید عربستان معرفی کرد. علاوه‌بر این، وی در عرصه خارجی نیز سیاست تهاجمی نظام را ادامه داد و از خرداد ماه ۹۶ با قطر قطع رابطه کرده و در واقع به دنبال به حاشیه راندن این کشور کوچک، ولی ثروتمند عربی برآمد. البته وی در این مسیر موفق نشد و حتی آمریکا نیز در این مسیر با ولیعهد جوان سعودی همراهی نکرد. در مجموع، مسئله اصلی عربستان در سال ۹۶ به اصلاحات محمد بن سلمان بر می‌گردد. بن سلمان در قالب سند چشم انداز ۲۰۳۰ اقدام به پاره‌ای از اصلاحات کرده که به نوعی تمام ساختارهای حاکم بر جامعه عربستان را بر هم زده است. اصلاحات بن سلمان در دو حوزه کلی اقتصاد و حوزه اجتماعی صورت گرفت.

در حوزه اقتصادی پادشاه عربستان ۱۴ آبان ماه دستور تشکیل کمیته مبارزه با فساد به ریاست پسرش محمد بن سلمان را صادر کرد. به دنبال این فرمان، مقامات عربستانی بیش از ۲۰۰ تن از جمله ۱۱ شاهزاده و چهار وزیر وقت و ده‌ها وزیر سابق را به اتهام فساد بازداشت کردند. ولید بن طلال شاهزاده میلیاردر سعودی و متعب بن عبدالله وزیر گارد ملی مطرح‌ترین شاهزاده‌های دستگیر شده بودند. علاوه‌بر این، «سعود المعجب» دادستان کل عربستان ۱۵ آذرماه در بیانیه‌ای اعلام کرد، تعداد افرادی که از سوی کمیته مبارزه با فساد احضار شده‌اند به ۳۲۰ تن می‌رسد. شاهزاده‌های بازداشتی در حالی که بیش از دو ماه در هتلی مجلل در عربستان زندانی بودند در نهایت با پرداخت باج‌های هنگفت آزاد شدند.

دادستان کل سعودی اعلام کرد درجریان طرح مبارزه بافساد، مبلغ حاصل از تسویه حساب با بعضی از متهمان پرونده فساد مالی و اقتصادی، به بیش از ۴۰۰ میلیارد ریال سعودی (برابر با ۱۰۶ میلیارد دلار آمریکا) افزایش یافته است. دادستان کل پادشاهی سعودی تصریح کرد: اموالی که از بازداشت‌شدگان مصادره شده شامل مجتمع‌ها، واحدهای تجاری، اوراق بهادار و پول نقد است. وی افزود که مرحله تسویه حساب پایان یافته و مابقی بازداشت شدگان به دادستانی کل کشور ارجاع داده شده‌اند. در واقع محمد بن سلمان با کسب بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار، بودجه لازم برای بلندپروازی‌های خود را کسب کرده است.

اما در حوزه زنان، اصلاحات بن سلمان که پیامدهای اجتماعی نیز داشته، به شرح زیر است:

- پادشاه عربستان با صدور فرمانی به زنان این کشور اجازه داد که رانندگی کنند.

- وزارت خارجه عربستان فاطمه سالم باعشن را به عنوان سخنگوی سفارت عربستان در واشنگتن منصوب کرد و وی اولین زن سعودی است که در این مقام تعیین کرده است.

- اعضای مجلس شورای عربستان صدور حکم

فتوا از سوی مفتی‌های زن را در این کشور آزاد اعلام کردند.

- برای اولین بار در عربستان یک زن به عنوان معاون شهرداری انتخاب شد. فرمانداری منطقه الشرقیه عربستان در توییتی اعلام کرد که فهد بن محمد الجبیر فرماندار این منطقه، خانم «ایمان عبد الله الغامدی» را به عنوان معاون شهردار استان الخبر تعیین کرده است.

مقوله اصلاحات در عربستان را می‌توان یک نیاز در جامعه عربستان دانست، نیازی که پادشاهان در هر دوره سعی دارند با تمسک به آن، به نوعی پایه‌های قدرت خود را تقویت کنند. بن سلمان نیک می‌داند که تداوم قدرت در خاندان سعودی مستلزم کنترل اعتراض‌های اجتماعی است. در شرایط کنونی نیز وی سعی دارد با تحریک ملی‌گرایی عربی در عرصه خارجی، از پروژه ایران هراسی در جهت کسب نفوذ در جهان عرب استقاده کند و در عرصه داخلی نیز با استفاده از ابزار اصلاحات به دنبال کسب حمایت جوانان از پادشاهی آینده خود است. البته این اقدامات بن‌سلمان در ادامه می‌تواند پیامدهایی برای وی به دنبال داشته باشد. در واقع برخی از کارشناسان بر این باورند که اساسا اصلاحات اخیر در عربستان را نمی‌توان یک طرح داخلی و مبتنی بر نیازهای جامعه عربستان دانست و این مسئله پروژه‌ای با هدف سکولاریزه کردن جامعه عربستان است. در کنار این مسئله برخی دیگر بر این باورند که اصلاحات اخیر در واقع پوششی در جهت اقدامات کلان‌تر است و بن سلمان از این طریق سعی دارد مسیر پادشاهی خود را هموار کند، به همین دلیل بزرگترین شاهزاده‌های سعودی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی به بهانه مبارزه با فساد بازداشت شده‌اند. در کل اصلاحات محمد بن سلمان در عربستان را می‌توان تلاشی از سوی ولیعهد جوان سعودی با هدف کسب مشروعیت بیشتر به ویژه در میان جوانان دانست که بدون شک در ادامه این مسئله می‌تواند باعث تضاد بین نهاد دینی و نهاد سیاسی شود.

- تاکنون پایه‌های مشروعیت رژیم آل‌سعود، تکیه بر روحانیون وهابی و چهره‌هایی مثل «بن باز» بوده است. اکنون سؤالی که برای کارشناسان وجود دارد این است که در صورت رویگردانی جریان‌های سنتی- وهابی از بن‌سلمان و دلخوری آنها از اصلاحات، چه جریان داخلی جای آن را خواهد گرفت و پایه تازه مشروعیت برای پادشاهی سعودی خواهد بود؟

یمن؛ از مرگ صالح تا هراس راهبردی ریاض

بحران یمن در حالی سه ساله شده است که عربستان و امارات بر خلاف پیش‌بینی‌های خود موفق به تسلط بر صنعا و بازگرداندن عبد ربه منصورهادی رئیس‌جمهور فراری و مستعفی یمن به قدرت نشده‌اند. در واقع عربستان با خرید سلاح‌های مدرن از آمریکا و انگلیس تمام روش‌های جنگی برای شکست انقلابیون یمن را در سه سال گذشته به کار گرفته اما در نهایت موفق به پیروزی نشده است. در سال ۹۶ یمن شاهد چند جریان مهم و تاثیرگذار بود.

فتنه صنعا

عربستان و امارات پس از ناکامی در رویارویی مستقیم با انصارالله یمن اقدام به طراحی فتنه‌ای در صنعا کردند. مهره آنها در این فتنه نیز علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور سابق یمن بود که با انصارالله نیز برای مقابله با تجاوز ائتلاف سعودی همپیمان شده بود. نیروهای وابسته به علی عبدالله صالح اوایل آذرماه فتنه تازه‌ای را در یمن کلید زدند که به مرگ ۴۰ تن منجر شد. کار به جایی رسید که درگیری‌های هواداران صالح و انصارالله از سوی آل‌سعود «انقلاب مبارک» نامیده شد و به رسانه‌های سعودی نیز اعلام گردید، از این پس حق ندارند او را «رئیس‌جمهور مخلوع یمن» بنامند! این اقدام «صالح» اما از سوی انقلابیون یمن به «خیانت» تعبیر شد چرا که در سه سال گذشته صالح اعلام کرده بود در کنار نیروهای انقلابی باقی خواهد ماند اما سرانجام این خیانت به قیمت جان وی تمام شد. سرانجام «علی عبدالله صالح»، رئیس‌جمهور پیشین یمن و مهره امارات و آل‌سعود در این کشور ۱۲ آذرماه حین فرار به «مارب» از سوی افراد ناشناس کشته شد. انصارالله پس از انتشار خبر مرگ وی اعلام کرد، «فتنه صنعا خاموش شد.» در واقع این تلاش عربستان و امارات برای ضربه زدن به انقلاب یمن در حالی با ناکامی مواجه شد که عربستان این اقدام را آخرین ابزار خود جهت انشقاق بین انقلابیون در صنعا می‌دانسته است.

تغییر معادلات

انقلابیون یمن با هدف قراردادن نقاط حساس عربستان و امارات، جنگ را از زمین به هوا انتقال دادند و در واقع موشک‌های بالستیک یمن بارها از سد سامانه‌های دفاعی پاتریوت عربستان گذشتند و پایگاه‌های نظامی عربستان را هدف قرار دادند. اما در هزارمین روز تجاوز عربستان به یمن، انصارالله مهم‌ترین عملیات خود در ۳۳ ماه گذشته را انجام داد. اواخر آذرماه ارتش یمن با یک فروند موشک

الوقت
ALWAGHT.COM
العربية السعودية
اليمن
صعدة
الجوف
عمران
صنعاء
مأرب
ذمار
البيضاء
إب
الضالع
تعز
أبين
شبوه
حضرموت

بالستیک کاخ «الیمامه» در ریاض را هدف قرار داد. هرچند که پیش از این، عملیات موشکی موفقی مانند حمله به فرودگاه ملک خالد در ریاض و همچنین تاسیسات هسته‌ای البراکه در ابوظبی صورت گرفته بود اما عملیات اخیر به دلیل اهمیت کاخ الیمامه بسیار راهبردی بود. کاخ یمامه در ریاض، مقر رسمی و دفتر شاه سعودی است که در حومه غربی شهر ریاض واقع شده است. در کاخ الیمامه دیدارهای رسمی برگزار می‌شود و نیز نشست شورای وزیران و دیدار پادشاه با شهروندان و مسئولان در آن صورت می‌گیرد. مقر دیوان سلطنتی نیز در همین کاخ است. انصارالله یمن با این عملیات مرحله جدید جنگ را شروع کرد. چرا که تا پیش از این تنها نقاط مهم و نظامی عربستان هدف قرار گرفته بود و در این عملیات، مقر اصلی پادشاهی سعودی به عنوان هدف انتخاب شد. در واقع، هدف قرادادن نقاط راهبردی عربستان و امارات، باعث نوعی تغییر در معادلات نبرد شد و همین مسئله خود پیامدهایی برای عربستان و امارات به همراه داشته است.

اختلافات امارات و عربستان

عربستان و امارات در فروردین ۹۴ براساس یک توافق نانوشته، اقدام به حمله به یمن و تقسیم حوزه‌های نفوذ خود کردند. بر این اساس عربستان بیشترین منافع خود در یمن را در شمال این کشور و مقابله با پیروزی‌های انصارالله می‌دانست، در مقابل امارات نیز منافع خود را در جنوب یمن جست‌وجو می‌کرد. اما تحولات میدانی باعث بر هم خوردن این اتحاد نانوشته شده و عربستان عملا در جنوب یمن فعالیت می‌کند و این مسئله به معنای تقابل اهداف دو کشور است. در سال ۲۰۱۶، اختلافات عربستان و امارات در یمن بالا گرفت و به‌دنبال آن، مقامات ابوظبی از سطح همکاری خود با ائتلاف سعودی علیه یمن، تا حدود زیادی کاستند. اختلافات میان عربستان و امارات ازآنجا آغاز شد که منصور هادی «خالد بحاح»، نخست‌وزیر دولت فراری و مستعفی خود را که البته مورد حمایت مقامات امارات بود، از کار برکنار کرد. اوایل بهمن ماه ۹۶ «رهبران جنوب یمن» و «شورای انتقالی جنوب» که تحت حمایت امارات قرار دارند، در اعتراض به «فساد» مسئولان دولت مستعفی وابسته به عربستان، نشستی در «عدن» برگزار و در این شهر حالت فوق‌العاده اعلام کردند. سران جنوب در این جلسه خواستار براندازی دولت «عبدربه منصور هادی» رئیس‌جمهور مستعفی یمن شدند. همچنین در این نشست بیانیه‌ای با عنوان «حالت فوق‌العاده» در عدن و آغاز تدابیر برای «براندازی دولت قانونی» به ریاست «احمد بن دغر» (نخست‌وزیر دولت مستعفی) پس از متهم کردن او به «فساد» صادر شد. شورای انتقالی جنوب یمن به منصور هادی رئیس‌جمهوری مستعفی یمن تا یکشنبه(۸ بهمن) برای انحلال کابینه به ریاست «احمد عبید بن دغر» مهلت داده بود. با نزدیک شدن به پایان این ضرب‌الاجل اوضاع جنوب یمن بسیار ملتهب شد. حتی نیروهای تحت حمایت امارات کاخ المعاشیق را نیز محاصره کردند و حتی خبرهایی منتشر شد که نشان می‌داد عناصر مسلح وابسته به «شورای انتقالی جنوب» یمن تحت حمایت امارات به کاخ «المعاشیق» شهر عدن که در آن مسئولان محلی و نظامی وابسته به دولت مستعفی یمن تحت حمایت عربستان مستقر هستند، حمله کرده‌اند. این مسئله به خوبی نشان داد که شکست‌های میدانی باعث تقابل اهداف ریاض و ابوظبی شده است. هرچند دو کشور موفق به کنترل تنش‌ها شدند، اما این مسئله شکاف بین این دو کشور را به خوبی برملا کرده است.

جاذبه مذهب شیعه و دافعه بوکوحرام در نیجریه

محمدحسن نیک‌بین

اگرچه ربایش «دختران چیبوکی» در نیجریه بسیاری از مردم این کشور و جهان را در ناراحتی و عصابنیت فرو برد، اما شاید بدبین‌ترین شهروند نیجریه‌ای هم تصور نمی‌کرد که اتفاقی مشابه مجددا در یکی دیگر از نقاط این کشور رخ دهد. در حالی که حدود چهار سال از دزدیده شدن «دختران چیبوکی» به دست عناصر «بوکوحرام» می‌گذرد، تروریست‌های وابسته به گروه القاعده، ماه گذشته حدود ۱۱۰ دختر مدرسه «داپوچی» را ربودند تا بار دیگر سایه‌ای از وحشت را در سراسر آفریقا پهن کنند و از سویی دیگر خاطرات تلخ سال ۲۰۱۴ میلادی را برای جهان زنده کنند. اگرچه تعداد زیادی از دختران چیبوکی آزاد شدند اما همچنان بر اساس گزارش های رسیده حدود ۱۰۰ نفر از آنان وضعیت نامعلوم و بغرنجی را سپری می کنند و به ازدواج اجباری با عوامل بوکوحرام در نقاط نامعلوم نیجریه تن داده‌اند.

بنابراین اگر سال گذشته به سرنوشت مبهم «دختران چیبوکی» اشاره کردیم و گفتیم که بزرگ ترین چالش دولتمردان نیجریه حل این بحران است، اکنون نیز باید همین گزاره را تکرار کنیم، تنها با این تفاوت که اکنون ۱۱۰ نفر دیگر نیز به این لیست اضافه شدند و در سال ۹۷ ارتش نیجریه باید در جستجوی حدود ۲۲۰ دختر دانش‌آموز باشد.

«محمد بوحاری» رئیس‌جمهور نیجریه اما با مشکلات بزرگ دیگری در مدیریت کشور نیز مواجه است. و باید در مورد وضعیت شیخ «ابراهیم زکزاکی» رهبر شیعیان نیجریه به افکار عمومی پاسخ دهد. شیخ زکزاکی باتوجه به رای دادگاه این کشور، باید به صورت فوری در سالی که گذشت آزاد می شد اما این اتفاق هیچ گاه رخ نداد تا بار دیگر این واقعیت ثابت شود که سیاست نیجریه به طور گسترده تحت نفوذ پول‌های نفتی آل سعود و تحت تاثیر ایدئولوژی وهابیت قرار دارد. آنها با صرف هزینه‌های گزاف و فرستادن مبلغ و مفتی به کشورهایی نظیر نیجریه، سعی در توسعه تفکر وهابیت و بوکوحرام دارند. آل‌سعود اما فقط به گسترش تفکر تکفیری راضی نشده و سران نیجریه را به سرکوب شیعیان تشویق می‌کنند شیعیانی که تعداد آنها در حال افزایش است و رهبری آنها را نیز شیخ «ابراهیم زکزاکی» برعهده دارد، فردی که به امام‌خمینی(ره) بسیار ارادت دارد. شیعیان نیجریه بیش از هر جای دیگر متاثر از ایران هستند و به صورت بارز تصاویر رهبران و مراجع تقلید شیعه ایرانی را در حسینیه‌ها و مساجد، راهپیمایی‌ها و مجالس خود نصب می‌کنند. تلاش‌های بی‌وقفه زکزاکی در نیجریه که باعث هدایت میلیون‌ها نفر شد نهایتا موجب عصبانیت آل سعود شد و باعث خشم و غضب وهابی‌ها گردید. در همین اثناء، صدها شیعه به دست نیروهای ارتش قتل‌عام شدند. در این میان شیخ زکزاکی نیز زخمی شد و به همراه همسرش به زندان افتاد و هنوز نیز در حبس به سر می‌برد.

شیعیان نیجریه که عمده آنها در ایالت «کانو» و شهر «زاریا» زندگی می‌کنند، در سالی که گذشت همانند سال‌های قبل‌تر از هر فرصتی استفاده کردند تا در راهپیمایی شرکت کنند و آزادی شیخ زکزاکی را فریاد زنند. شمار شیعیان نیجریه بر اساس گزارشات، بیش از ۱۰ میلیون نفر است. تظاهرات آرام آنها بارها توسط پلیس سرکوب شده است. فعالیت «جنبش اسلامی نیجریه» (گروه وابسته به شیعیان) نیز به طور رسمی ممنوع شده است.

هرچند که آل سعود و سردمداران تفکر وهابیت با خرج پول‌های کلان و مفت در بخش‌های مختلف آفریقا همچون نیجریه، سعی دارند تا آنچه که خود به آن پایبند هستند را به اجبار بر افکار سیاه پوستان دیکته کنند، اما به نظر می‌رسد که این تفکرات بلند و پرمغز جمهوری اسلامی است که دل مردم نیجریه را مجذوب خود کرده و مردمان آفریقا را سمت خود پرواز می‌کشد. شاهد مثال این ادعا گزارشی بود که خبرنگار «بلومبرگ» آن را اطلاعات و مشاهدات میدانی خود در نقطه اوج درگیری ها به چاپ رسانیده بود.

این خبرگزاری معروف در گزارشی جالب، به برتری نرم جمهوری اسلامی از سایر رقبای خود حتی آمریکا در نیجریه می‌گوید و می‌نویسد: «جمهوری اسلامی ایران با ساختن زنجیره‌ای درهم تنیده و استوار با کمترین هزینه، قابلیت این را دارد که در هر مکان و هر زمان با آمریکا درگیر شود، ایران قدرت برتر نرم در نیجریه است.»

مردم نیجریه و ملت آفریقا که طی سده‌های اخیر ضربات سختی را از جانب استعمار متحمل شده‌اند، به نظر می‌رسد که در حال بازیابی مسیر و بازگشت به دیانت اسلام هستند. در این میان، مذهب شیعه به خاطر مجاهدت‌های شیخ زکزاکی و یارانش و به خاطر مبارزاتی که جمهوری اسلامی ایران پرچمدار آن است، جاذبه زیادی را ایجاد کرده است. تحولی که علاوه بر وهابیت و رژیم آل سعود، آمریکا و رژیم صهیونیستی را نیز به شدت نگران کرده است.

مردم نیجریه طی دهه‌های اخیر دو جریان رقیب را در جامعه خود شاهد بوده‌اند؛ جریانی که «بوکوحرام» نام دارد و به نمایندگی از تفکر وهابیت، کاری جز جنایت و آدم‌ربایی نمی‌کند و جریانی که تحت رهبری شیخ زکزاکی، ارزش‌ها و اعتقادات شیعی را نمایندگی می‌کند. طبیعی است که مردم با مقایسه عملکرد این دو جریان، جانب شیخ زکزاکی را بگیرند و گم کرده خویش را پیدا کنند.

در هر صورت، مذهب شیعه و شیخ زکزاکی امید و ایمان را در دل مردم زنده کرده است و هیچ نیرویی دیگر نمی‌تواند این مردم را به دوره جاهلی برگرداند و به بردگی و بندگی در مقابل غربی‌ها بکشاند.